

ضجه‌های زن در صحنه سلاخی شدن شوهر



او درباره آنچه دیده به مقام قضایی می‌گوید: «خواب بودم که با صدای خرخر عجیبی از خواب پریدم. وقتی به سمت همسرم چرخیدم او را غرق در خون دیدم. او درون رختخواب دستم و پامی زد. به سمت حیاط نگاه

کردم، دو مرد در در تاریکی دیده که داشتند به سمت حیاط می‌دویدند. شوکه شده بودم و به دنبال آن‌ها به کوچه دویدم، اما با ماشین بودند و فرار کردند.»

قسمتی از اظهارات زن بیست‌وشش‌ساله از سوی

گروه حوادث - فریادهای بامدادی زن جوان در مشهد از کشته شدن شوهرش در نیمه شب حکایت داشت.

همه چیز در شامگاه پانزدهمین روز از اولین فصل تابستان آرام بود. ساعت از نیمه شب گذشته بود که مرد جوان همراه خانوادهاش خوابید. خوابی که مستحکمی مرگ بر روی آن سایه انداخته بود، اما نمی‌دانست که تا چند ساعت دیگر بیشتر زنده نیست و ساعتی پس از نیمه شب در خون خود دست و پا می‌زند و بی صدا می‌میرد. صدای پای چند نفر (احتمالاً دو مرد)، تیکتاف خفیف یک خودرو و فریادهای زنی جوان، آرامش شبانه را از خیابان شاهنامه ۸ می‌برد. زنی فریادکشان به خیابان می‌دود، زمین می‌خورد، بلند می‌شود و در میان گرد و خاکی مرموز که در هوا پخش شده، دوباره می‌دود. این بار قسمتی از لباسش زیرپایش می‌رود و باز هم زمین می‌خورد، اما دیگر بلند نمی‌شود تا جایی که زنان همسایه به کمکش می‌آیند و زیربغلش را می‌گیرند. مرد همسایه سرگردان از حرکات عجیب زن، از میان کلمات «کشنده»، «فرار کردند»، «بگیریدشان»... که زن مرتب آن‌ها را تکرار می‌کرد، متوجه می‌شوند که برای حل معما باید به خانه زن بروند. جایی که لحظاتی بعد با پیکر غرق به خون مردی درون رختخواب پهن شده وسط خانه روبه‌رو می‌شوند.

ماقبل اتفاقات در این گونه مواقع، نازشبه اما تکراری است. تماس با پلیس، آرام کردن زن از سوی زنان همسایه،

خواستگاری یا دزدانگویی

اجتماعی هدایت شد و زمانی که با سخنان مشاور اطمینان خاطر یافت که بیان حقیقت به نفع خودش است، در تشریح این ماجرا به کارشناس اجتماعی کلاتری گفت: حدود یک سال قبل زمانی که از بازار در حال بازگشت به خانه بودم، ناگهان «متین» را مقابل خود دیدم. او از مدت‌ها قبل مرا زیر نظر داشت و گاهی تعقیب می‌کرد. احساس می‌کردم به من علاقه دارد. با وجود این توجهی به حضور او نکردم و وارد کوچه شدم. در آن ساعت روز، کوچه محل زندگی ما کاملاً خلوت بود.

متین تکه کاغذی که روی آن شماره تلفنش را نوشته بود به طرفم دراز کرد. من هم ناخودآگاه برگه را از او قاپیدم و در حالی که ضربان قلبم تندتر می‌زد وارد حیاط شدم. ولی وسوسه عجیبی به جانم افتاده بود، به همین خاطر بارها به آن شماره تلفن نگاه کردم و بالاخره با او تماس گرفتم. این گونه بود که ارتباط تلفنی من و متین آغاز شد. هر چه بیشتر با او صحبت می‌کردم به همان اندازه علاقه ام به متین زیادتر می‌شد.

او مدام از زیبایی‌های من سخن می‌گفت و من هم



کارآگاهان اداره جنایی که به فرماندهی سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) وارد عمل شده بودند با انجام یک سری تحقیقات گسترده اطلاعاتی، موفق شدند احسان را دستگیر کنند.

این جوان ۲۹ ساله که خود سه فرزند دختر دارد در بازجویی‌های مدامی شد؛ از حدود سه ماه قبل در فضای مجازی با زن جوان ارتباط برقرار کرد. ولی او ادامه این ارتباط را به قتل شوهرش گره زد و گفت: باید شوهرم را به قتل برسانم! من هم با پسر خاله ام یاسین موضوع را مطرح کردم و چند بار خواستیم او را بکشیم که هر بار بنا به رخدادهای پیش بینی نشده نتوانستیم این کار را انجام بدهیم اما شش‌حادثه، زن جوان که یک دختر چهار ساله دارد در حیاط را باز گذاشت.

من و یاسین هم با موتورسیکلت تا نزدیکی منزل آن همسایه رفتیم و موتور را داخل باغی گذاشتیم. وقتی به خانه رسیدیم شوهر آن زن روی تشک افتاده بود که در یک لحظه با ضربات چاقو به قفسه سینه اش حمله ور شدیم و یاسین هم با آجر به سرش کوبید.

به دنبال اعترافات جوان ۲۹ ساله همدمت ۲۰ ساله وی نیز دستگیر شد و آنان پس از تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی احمدی نژاد، برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره جنایی قرار گرفتند و بدین ترتیب بررسی‌ها زیر نظر سروان عظیمی مقدم (افسر پرونده) ادامه یافت.

خواستگاری قاتل از زن مقتول

است. وی گفت: بعد از قتل همسر می‌خواستم واقعبت را به پلیس بگویم اما هادی خانه و زمین‌هایش را به عنوان حق‌السنکوت به نام من سند زد. من هیچ وقت راضی به قتل شوهرم نبودم و در این ماجرا دست نداشتم. اختلاف‌های من و شوهر به خاطر افتیاد او بود. این زن و مرد در شعبه ۱۷ دادگاه شهریار پای میز محاکمه ایستادند. قضات دادگاه هادی را به قصاص محکوم کردند. اما رضوان از اتهام معاونت در قتل شوهرش تبرئه شد.

پس از صدور حکم دادگاه، پدر ابراهیم به حکم صادره اعتراض کرد. به این ترتیب پرونده در شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور تحت رسیدگی موشکافانه قرار گرفت. حکم اعدام هادی تأیید شد اما قضات دیوان عالی کشور حکم تبرئه رضوان از اتهام معاونت در قتل شوهرش را شکستند تا وی باردیگر از خود دفاع کنند. به این ترتیب پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا این زن این بار به اتهام معاونت در قتل شوهرش در شعبه هم عرض محاکمه شود



من به او گفتم ابراهیم در خانه تنهاست. عصر همان روز وقتی دخترم از دانشگاه به خانه برگشت گفت پدرش ناپدید شده است. ما آن روز را دنبال شوهر گشتیم تا این که آخر شب هادی با من تماس گرفت و گفت شوهرم را کشته است. من هم از ترسم سکوت کردم و حرفی به پلیس نزدم.

به دنبال اظهارات این زن هادی بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد.

و در ادامه تحقیقات روشن شد هادی چند خانه و

زمین را به نام رضوان سند زده است.

ایسن مرد در این باره به مأموران پلیس گفت: من و همسرم با هم اختلاف داشتیم و می‌خواستیم از هم جدا شویم. چون می‌ترسیدم همسرم اموال را به نام خودش ثبت کند، به خانم هادی پیشنهاد دادم که هادی را به نام رضوان سند بزنم. من عاشق او بودم و ما قرار گذاشته بودیم مدتی بعد از کشته شدن ابراهیم با هم ازدواج کنیم که بازداشت شدیم.

رضوان اما ادعا کرد از نقشه قتل بی‌اطلاع بوده

گروه حوادث - حکم قصاص مرد میانسال که به خاطر زن یک، همسر وی را کشته در حالی در دیوان عالی کشور تأیید شد که فرار است زن جوان بار دیگر به

اتهام معاونت در قتل همسرش از خود دفاع کند. عصر نوزدهم دی ماه سال ۹۵ جسد گونی بیچ یک مرد میانسال در حاشیه شهریار پیدا شد. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل و تلاش برای افسای هویت وی آغاز شد.

پلیس با تکمیل تحقیقات دریافت این مرد ۵۰ ساله ابراهیم نام دارد. به این ترتیب همسر ۴۵ ساله وی به نام رضوان به سردخانه پزشکی قانونی رفت و جسد شوهرش را شناسایی کرد.

ایسن زن گفت: من و همسرم سالهاست با هم زندگی می‌کنیم و هیچ اختلافی با هم نداریم. نمی‌دانم چه کسی همسر را کشته و جسد او را داخل گونی گذاشته است.

در حالی که تحقیقات برای افشای راز جنایت آغاز شده بود پلیس به رابطه پنهانی رضوان با یکی از دوستان صمیمی شوهرش به نام هادی پی برد.

به این ترتیب رضوان بسار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و این بار پرده از جنایت عشقی برداشت. این زن گفت: من و شوهرم با هم اختلاف داشتیم. اما من هرگز راضی به مرگ شوهرم نبودم. او پدر فرزندانم بود و به همین خاطر می‌خواستیم با او زندگی کنیم. اما سه سال قبل که رفت و آمدهای دوست صمیمی شوهرم به خانه مان آغاز شد زندگی من هم تغییر کرد. هادی به من ابراز علاقه کرده بود و می‌گفت با همسرش با اختلاف دارد و می‌خواهد بعد از جدایی از همسرش با من ازدواج کند. هادی چند بار پیشنهاد قتل شوهرم را مطرح کرد اما من نپذیرفتم و آخرین بار بدون اطلاع من شوهرم را کشت.

این زن ادامه داد: من به همراه پسر در خانه یکی از اقوام مان در تاکستان بودیم و دخترم در دانشگاه بود که هادی با من تماس گرفت و سراغ همسر را گرفت.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

به یک نفر **کارمند خانم** مسلط به امور اداری و

دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم

۰۷۶۴۴۲۲۴۹۹۹

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام

کارشناس مالی با تسلط کافی به امور حسابداری

تلفن تماس:

۰۷۶۴۴۲۰۰۳۴ - ۰۹۱۲۱۰۱۵۳۳۰

ساعت تماس ۹ صبح الی ۱۳

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد

نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳

ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

نیروی اداری خانم

آشنا به کامپیوتر جهت کار

در یک شرکت مورد نیاز است

متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید

روبروی هایپر مارکت بالای بانک

سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند

ساعت کار: یک شیفت (۸ تا ۳ بعدازظهر)

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

نقاشی ساختمان

کلی و جزئی

بابایی

۰۹۳۴۷۶۹۴۳۱۸

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ

فقط با یک تلفن

باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵



خدمات حسابداری، حساسری و مالیاتی

آموزش حسابداری و بورس

۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۵

CHORTKEHKISH

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...

تعمیر و نصب کولر، اسپیلت، داکت، یخچال خانگی و صنعتی و دوربین مداربسته

شماره تماس: ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

فود فور کیش

سامانه آنلاین سفارش غذا از رستورانهای جزیره کیش

وبسایت و اپلیکیشن www.F4k.ir

مفقودی

باز سازی و پیمان کاری ساختمان

رجب زاده ۰۹۱۲۲۰۹۹۱۵۸

اصل سند شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی شماره دوم تفکیکی سمت غربی در طبقه اول به مساحت هشتاد و یک متر مربع و پنجاه صدم متر مربع به انضمام یک باب انباری در طبقه همکف و یک باب پارکینگ شماره دوم در طبقه همکف مجزی شده از قطعه ۱۰۱۷ واقع در شهرک نوبنیاد اراضی جزیره کیش با قدر السهم از عرصه واعیان به شماره مسلسل ۴۹۸۹۲ و شماره قرار داد ۸۳/۸۸۰-۲۶ صفحه ۳۸۳ دفتر ۱۳۰ که در تاریخ ۹۸/۱۲/۲۱ به نام آقای رامین احمدی فر فرزند محمد قاسم به شماره شناسنامه ۱۸۱ انتقال یافت مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد

کف پوش سه بعدی

فروش و نصب در جزیره

۰۹۱۱۵۹۱۸۳۷۶ ۰۹۱۲۵۷۹۳۲۱۲

نقاشی ساختمان

کلی و جزئی

باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می‌شود.

از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می‌پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی‌ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش‌های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی‌دهندگان به دست آورید.

شهروند گرامی کیش!